

## خلاصه کتاب

«شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت»

شناسنامه کتاب:

عنوان: شبکه‌های خشم و امید، جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت

نویسنده: کاستلز، مانوئل

ترجمه: مجتبی قلی‌پور

انتشارات: نشر مرکز

نوبت چاپ: سوم (۱۳۹۶)

تعداد صفحات: ۳۰۸

تهیه شده در مرکز طرح، برنامه و ارزیابی سیما

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

## ۱) مقدمه و معرفی

این کتاب بر اساس مروری بر مطالعه جنبش‌های اجتماعی‌ای نگاشته شده است که از طریق کاربرد اینترنت و شبکه‌های ارتباطی بی‌سیم توانمند شده‌اند. کتاب شامل هشت فصل می‌باشد که فصل اول با عنوان «سرآغاز: شبکه‌بندی ذهن‌ها، ایجاد معنا، به‌چالش کشیدن قدرت»، چارچوب حاکم بر کتاب را دربرگرفته است. فصل دوم «طلیعه انقلاب: جایی که همه چیز آغاز شد»، به مطالعه جنبش‌های اجتماعی تونس و ایسلند می‌پردازد. در فصل سوم، «انقلاب مصر»، تحلیل جامعی از انقلاب مصر ارائه شده است و فصل چهارم، «کرامت، خشونت، ژئوپلیتیک: خیزش‌های عربی»، نگاهی بر جنبش‌های اجتماعی کشورهای عربی دارد. فصل پنجم با عنوان «انقلاب ریزوم‌وار»، به جنبش اجتماعی اسپانیا و فصل ششم، «اشغال وال‌استریت: برداشت نمک از زمین»، به جنبش اجتماعی وال‌استریت می‌پردازد. فصل هفتم «تغییر جهان در جامعه شبکه‌ای»، مفهوم جامعه شبکه‌ای و جنبش‌های متأثر از این فضا را مورد بررسی قرار می‌دهد و فصل هشتم نیز با عنوان «آن سوی خشم، امید: زندگی و مرگ جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده»، به تحلیلی نهایی از جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده اختصاص دارد.

نوشتار پیش رو، با هدف ارائه خلاصه‌ای از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین نکات درج شده در کتاب به‌منظور بهره‌گیری مدیران و علاقه‌مندان سازمان صداوسیما، به دسته‌بندی عناوین و مفاهیم اصلی ارائه شده در هشت فصل مزبور پرداخته است.

## ۲) جامعه شبکه‌ای

جنبش‌های اجتماعی در سراسر تاریخ، اهرم‌های تغییر اجتماعی بوده‌اند و خواهند بود. این جنبش‌ها در اغلب موارد به‌وسیله هیجان‌های نشأت‌گرفته از یک رویداد معنادار برانگیخته می‌شوند، رویدادی که به معترضان کمک می‌کند تا به‌رغم خطر ذاتی نهفته در اقدامشان بر ترس غلبه کنند و قدرت‌های موجود را به‌چالش بطلبند. ترس و اضطراب که باعث دور شدن یا اجتناب افراد از خطر می‌شود، از طریق به‌اشتراک‌گذاری و همدلی با دیگران در یک فرایند کنش ارتباطی مغلوب می‌شود. این فرایند کنش ارتباطی، کنش جمعی را برمی‌انگیزد، بسیج اجتماعی هدفمند را نیرو می‌بخشد و تغییر عملی می‌شود. بنابراین، تغییر اجتماعی از کنش ارتباطی منتج می‌شود که از طریق شبکه‌های ارتباطی برانگیخته شده است. در این زمینه جدید و در کانون جامعه شبکه‌ای به‌عنوان یک ساختار اجتماعی جدید است که جنبش‌های اجتماعی قرن بیست‌ویکم شکل می‌گیرند.

### ۳) قدرت در جامعه شبکه‌ای

در جامعه شبکه‌ای، قدرت چندبعدی است و مطابق با منافع و ارزش‌های کنشگران قدرتمند، پیرامون شبکه‌های برنامه‌ریزی‌شده در حوزه‌های مختلف فعالیت انسان سازماندهی شده است. شبکه‌های قدرت، قدرت خود را از طریق تأثیرگذاری بر ذهن انسان، عمدتاً (اما نه انحصاراً) با استفاده از شبکه‌های چندرسانه‌ای ارتباط توده‌ای اعمال می‌کنند. بنابراین، شبکه‌های ارتباطی، منابع مسلم قدرت‌سازی هستند. شبکه‌های قدرت موجود در حوزه‌های گوناگون فعالیت انسان در میان خودشان نیز شبکه‌ای شده هستند. شبکه‌های مالی جهانی و شبکه‌های چندرسانه‌ای جهانی به شدت به هم متصل‌اند؛ البته این فرا - شبکه پول و رسانه همه قدرت را در اختیار ندارد زیرا خود وابسته به دیگر شبکه‌های مهم مثل شبکه سیاسی، شبکه تولید فرهنگ، شبکه نظامی/امنیتی و شبکه جهانی تولید و استعمال علم، فناوری و مدیریت دانش است. این شبکه‌ها در هم ادغام نمی‌شوند بلکه با تشکیل شبکه‌های ویژه و موردی، پیرامون پروژه‌های خاص، در استراتژی‌های مشارکت و رقابت درگیر می‌شوند. اما همه آنها یک منفعت مشترک دارند: کنترل ظرفیت تعریف قواعد و هنجارهای جامعه از طریق یک نظام سیاسی که در درجه نخست و عمدتاً به منافع و ارزش‌های آنها پاسخگوست. به همین دلیل است که شبکه قدرت ساخته‌شده پیرامون دولت و نظام سیاسی قطعاً نقشی بنیادین در شبکه‌بندی کلی قدرت دارد. شبکه‌های قدرت از طریق یک سازوکار بنیادی قدرت‌سازی که عبارت است از قدرت سوئیچینگ، به یکدیگر متصل می‌شوند و حوزه کنش خود را حفظ می‌کنند. قدرت سوئیچینگ عبارت است از ظرفیت اتصال دو یا چند شبکه مختلف در فرایند ساخت قدرت برای هر یک از آنها در حوزه‌های مربوطه‌شان.

### ۴) دارندگان قدرت در جامعه شبکه‌ای

- برنامه‌نویسان که از امکان برنامه‌نویسی شبکه‌های اصلی‌ای که زندگی مردم وابسته به آنهاست برخوردارند. مثل حکومت، مجلس، دستگاه نظامی و امنیتی، دستگاه‌های مالی، رسانه‌ها، نهادهای علم و فناوری و غیره.

- سوئیچرها که باعث اتصال بین شبکه‌های مختلف می‌شوند. مثل صاحبان رسانه‌ها که وارد طبقه سیاسی شده‌اند، نخبگان مالی که بودجه نخبگان سیاسی را تأمین می‌کنند، نخبگان سیاسی که کفالت نهادهای مالی را برعهده دارند، شرکت‌های رسانه‌ای درهم‌پیچیده با شرکت‌های مالی، نهادهای دانشگاهی که توسط شرکت‌های تجاری بزرگ تأمین مالی می‌شوند و غیره.

## ۵) ضد قدرت در جامعه شبکه‌ای

روابط قدرت، سازنده جامعه است زیرا صاحبان قدرت نهادهای جامعه را بر اساس ارزش‌ها و منافع خود می‌سازند. قدرت از طریق ابزارهای اجبار و یا ساخت معنا در ذهن مردم اعمال می‌شود. روابط قدرت در نهادهای جامعه به‌ویژه در دولت جای گرفته و ریشه دوانده است. اما از آنجا که جوامع تناقض‌آمیز و تضادآمیز هستند هر جا که قدرت وجود دارد، ضد قدرت هم وجود دارد. ضد قدرت عبارت است از ظرفیت کنشگران اجتماعی برای به‌چالش کشیدن قدرت جای گرفته در نهادهای جامعه به‌منظور درخواست نمایندگی ارزش‌ها و منافع خودشان.

ضد قدرت از طریق شبکه‌های بازنویسی پیرامون منافع و ارزش‌های بدیل، و یا مختل کردن سوئیچ‌های مسلط، همزمان با سوئیچینگ شبکه‌های مقاومت و تغییر اجتماعی، اعمال می‌شود. کنشگران تغییر اجتماعی قادرند با کاربرد مکانیزم‌های قدرت‌سازی‌ای که با اشکال و فرایندهای قدرت در جامعه شبکه‌ای هم‌خوانی داشته باشند، تأثیر قاطعی اعمال کنند. شهروندان عصر اطلاعات با درگیر شدن در تولید پیام‌های رسانه‌ای توده‌ای و توسعه شبکه‌های مستقل ارتباط افقی، قادر می‌شوند برای زندگی خود برنامه‌هایی جدید با رنج‌ها، ترس‌ها، رویاها و امیدهای خود بیافرینند. آنها با به‌اشتراک‌گذاردن تجربه خود برنامه‌های خود را می‌سازند. آنها با اشغال رسانه و ایجاد پیام، روند معمولی ارتباط را ویران می‌کنند. پیکربندی واقعی دولت و دیگر نهادهایی که زندگی مردم را تنظیم می‌کنند، بستگی به تعامل مداوم قدرت و ضد قدرت دارد.

## ۶) جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای

در جهانی که به وسیله اینترنت بی‌سیم شبکه‌ای شده است و ویژگی بارز آن پخش و ویروسی تصاویر و افکار است، جنبش‌ها از طریق سرایت گسترش می‌یابند. مردم از طریق اتصال با یکدیگر، به‌اشتراک‌گذاشتن خشم خود، احساس باهم‌بودن و ساخت پروژه‌های جایگزین برای خود و جامعه به‌طور کلی، می‌توانند سلطه را به‌چالش بکشند. این قابلیت اتصال، بستگی به شبکه‌های تعاملی ارتباط دارد که در جامعه امروزی مبتنی بر اینترنت و شبکه‌های بی‌سیم است. جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای نخست در جهان عرب گسترش یافتند و سرنوشت‌های مختلفی را از پیروزی تا مصالحه و از کشتارهای مکرر تا جنگ داخلی تجربه کردند.

## ۷) دلایل به‌وجود آمدن جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای

- فقر یا بحران‌های اقتصادی

- فقدان دموکراسی
- تهی شدن فرهنگی
- ناامیدی شخصی
- آشکار شدن فساد و دروغگویی سیاستمداران
- مورد شک واقع شدن رسانه‌ها
- بی‌اعتمادی عمیق به نهادهای مدیریت‌کننده جامعه (به‌ویژه نهادهای سیاسی)
- احساس حقارت ناشی از خودبینی صاحبان قدرت اعم از قدرت مالی، سیاسی یا فرهنگی
- جستجوی کرامت
- بی‌عدالتی بنیادین موجود در جامعه
- تناقضات و تضادهای موجود در جوامع خاص

#### ۸) روند ایجاد جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای

- تشکیل شبکه‌های اجتماعی اینترنتی
- به اشتراک گذاشتن بیم و امید در فضای عمومی آزاد اینترنت
- تشکیل شبکه بدون توجه به دیدگاه‌های شخصی و پیوندهای سازمانی
- متص شدن افراد به یکدیگر و پیوستن به هم
- غلبه بر ترس (به دلیل باهم‌بودن)
- خروج از فضای امن سایبر و حرکت به سمت اشغال فضای شهری (به‌منظور ساخت فضای عمومی و ایجاد اجتماعات آزاد در فضای شهری)
- گسترش ویروسی (سرایت) جنبش‌ها در جهان شبکه‌ای اینترنت

#### ۹) ویژگی‌های مشترک جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای

- این جنبش‌ها در اشکال مختلف، شبکه‌ای هستند:
- کاربرد اینترنت و شبکه‌های ارتباطی موبایل ضروری است.
- موجودیت مداوم جنبش‌ها در فضای آزاد اینترنت محقق می‌شود.

- جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای به دلیل تعامل در شبکه‌های اجتماعی اینترنت (هماهنگی و هم‌اندیشی) نیازی به رهبری رسمی، مرکز فرماندهی و کنترل یا سازمانی عمودی برای توزیع اطلاعات یا دستورالعمل‌ها ندارند.
- آسیب‌پذیری جنبش از خطر سرکوب کاهش می‌یابد.
- جنبش‌ها علی‌رغم آغاز در شبکه‌های اجتماعی با اشغال فضای شهری (اشغال ایستای میدان‌های عمومی یا استمرار راهپیمایی‌های خیابانی) تبدیل به جنبش می‌شوند.
- از تعامل و پیوند فضای سایبر و فضای شهری، فضای سومی به نام «فضای خودمختاری» به وجود می‌آید. فضای خودمختاری، شکل فضای جدید جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای است.
- جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای به‌طور هم‌زمان محلی و جهانی هستند. جنبش‌ها در جوامع خاص و بنابر دلایل خاص آغاز می‌شوند و با اشغال فضای شهری و اتصال به شبکه‌های اینترنت، فضای عمومی خود را می‌سازند. از سوی دیگر، این جنبش‌ها، جهانی هستند زیرا به سراسر جهان متصل‌اند، از تجربیات دیگران یاد می‌گیرند، مباحثه‌ای جهانی و مستمر در اینترنت دارند و گاهی برای راهپیمایی‌های جهانی مشترک و هم‌زمان در شبکه‌ای از فضاها محلی فراخوان می‌دهند.
- این جنبش‌ها تا اندازه زیادی خودجوش‌اند و معمولاً بر اثر اخگر خشم که یا مرتبط با یک رویداد خاص یا اوج نفرت از کنش‌های حاکمان است، برانگیخته می‌شوند.
- این جنبش‌ها به دلیل بی‌اعتمادی خودجوش و عمیق بیشتر مشارکت‌کنندگان جنبش نسبت به هرگونه نمایندگی و تفویض قدرت، معمولاً بی‌رهبرند.
- در جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای، تصمیم‌سازی معمولاً در مجمع‌ها و کمیته‌های تعیین‌شده در مجمع‌ها اتفاق می‌افتد که از قاعده ضمنی «خودحکومتی جنبش توسط مردم حاضر در آن» تأثیر می‌پذیرد. هدف اصلی این قاعده، استوارکردن شالوده‌های دموکراسی واقعی آینده از طریق تمرین در جنبش است.
- افقی بودن شبکه‌های موجود در اینترنت و فضای شهری، باهم‌بودن را ایجاد کرده و همکاری و همبستگی را تقویت می‌کند. مردم از طریق باهم‌بودن بر ترس غلبه و امید را کشف می‌کنند.
- این جنبش‌ها به شدت خودتأمل‌گر هستند. آنها به‌طور مداوم خود را به‌عنوان جنبش و به‌عنوان فرد، مورد پرسش قرار می‌دهند. پرسش‌هایی درباره آنچه هستند، آنچه می‌خواهند، آنچه می‌خواهند به آن دست یابند، نوعی از دموکراسی و جامعه که آرزوی آن را دارند و چگونگی اجتناب از گرفتاری‌ها و دام‌هایی که بسیاری از جنبش‌های شکست‌خورده در آن گرفتار آمده‌اند.

- جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای اصولاً جنبش‌هایی بی‌خشونت هستند. هدف همه جنبش‌ها این است که از جانب کل جامعه سخن بگویند و بسیار مهم است که مشروعیت خود را با کنارهم گذاشتن ماهیت صلح‌آمیز جنبش و خشونت نظام حاکم به تصویر بکشند و حفظ کنند.
- این جنبش‌ها به‌ندرت جنبش‌هایی برنامه‌دارند. برنامه و راهبرد ممکن است در مراحل بعدی تعریف شود، جز هنگامی که بر یک مسئله واحد و شفاف تمرکز می‌کنند: سقوط رژیم دیکتاتوری.
- هدف این جنبش‌ها، تغییر ارزش‌های جامعه است. هدف آنها دگرگونی دولت است، نه تسخیر دولت. آنها حزب تشکیل نمی‌دهند و از دولت‌ها حمایت نمی‌کنند.
- این جنبش‌ها در معنایی بنیادین، بسیار سیاسی‌اند. به‌ویژه هنگامی که دموکراسی شبکه‌ای شده (مبتنی بر تعامل اجتماعات محلی و اجتماعات مجازی) را پیشنهاد و اعمال می‌کنند.
- جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای با شکل‌گیری خود، از طریق فرایند ارتباط مستقل و فارغ از کنترل صاحبان قدرت، ضد قدرت را اعمال می‌کنند.
- هر جنبش از طریق شبکه‌بندی تصاویر و پیام‌ها در اینترنت، الهام‌بخش جنبش بعدی می‌شود.
- مهم‌ترین مقوله در ارزیابی تأثیر سیاسی یک جنبش اجتماعی شبکه‌ای، تأثیر آن بر آگاهی مردم است.

### ۱۰) اینترنت و جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای

- شبکه‌های ارتباطی دیجیتال بخشی جدایی‌ناپذیر در سازمان و عملکرد (بسیج، سازماندهی، هم‌اندیشی، هماهنگی و تصمیم‌گیری) جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای هستند.
- اینترنت شرایط را برای امکان‌بقا، هم‌اندیشی، هماهنگی و گسترش جنبش بی‌رهبر فراهم می‌کند.
- اینترنت با حفظ ارتباط میان مردم در درون جنبش و با جامعه، از جنبش در مقابل سرکوب فضاها فیزیکی محافظت می‌کند.
- فناوری اینترنت تجسم‌بخش فرهنگ آزادی است و بستر مورد نیاز برای ترجمه فرهنگ آزادی به اعمال خودمختاری را فراهم می‌کند.

### ۱۱) نمونه‌هایی از جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای



اگرچه شماری از پیشگامان جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای در دهه گذشته نیز وجود داشتند (اسپانیای سال ۲۰۰۴ یا ایران سال ۲۰۰۹) اما این جنبش‌ها به شکل کامل و تمام‌عیار خود در تونس و ایسلند آغاز شدند و با جنبش‌های اجتماعی مصر، اسپانیا و وال‌استریت ادامه یافتند.

## ۱۲) وجوه اشتراک جنبش‌های اجتماعی ایسلند، تونس، مصر، اسپانیا و وال‌استریت

- وقوع همه جنبش‌ها در سال ۲۰۱۱ به جز جنبش اجتماعی ایسلند (ایسلند: سال ۲۰۰۹)
- نفرت از حکومت‌ها، سردمداران تجاری و طبقات سیاسی حاکم
- نداشتن رهبر مشخص (بی‌رهبری)
- شروع جنبش از فضای مجازی
- انتقال از فضای سایبر به فضای شهری؛ ادامه و شکل‌گیری جنبش در این فضا
- نقش پررنگ فضای مجازی در ادامه جنبش (گسترش تصاویر و پیام‌ها برای بسیج مردم، فراهم‌آوردن فضایی برای بحث، فراخوان به کنش، هماهنگی و سازماندهی اعتراضات، بازپخش اطلاعات و بحث‌ها در میان کل جمعیت)

## ۱۳) وجوه افتراق جنبش‌های نامبرده

- پیروزی معنادار جنبش‌های اجتماعی ایسلند و تونس در دستیابی به تغییر نهادی و رخ‌دادن یک رشته دگرگونی‌های سیاسی ملموس و فرهنگ‌های مدنی جدید ناشی از جنبش‌ها در مدت زمانی کوتاه در این دو کشور (تحقق دموکراسی در تونس و برقراری نظم قانونی جدید در ایسلند)
- حاصل‌نشدن تغییر مهمی در سیاست‌های موجود پس از جنبش‌های اجتماعی مصر، اسپانیا و وال‌استریت

## ۱۴) تأثیر انقلاب تونس و مصر بر جهان عرب

پس از جنبش‌های اجتماعی تونس و مصر در سال ۲۰۱۱، موج روزهای موسوم به روز خشم (یوم‌الغضب) سراسر جهان عرب را درنوردید: الجزایر، لبنان، اردن، موریتانی، سودان، عمان، یمن، بحرین، لیبی، کویت، مراکش، صحرای غربی، عربستان سعودی و سوریه. در برخی از این کشورها اعتراض به علل مختلف ناکام ماند و از بین رفت و در دیگر موارد، خیزش‌ها با ترکیبی از سرکوب و امتیازدهی حکومت‌ها فرو نشستند.